

بفضل محمد خدای تعالی نسبت این پریمان و سزایش است مگر آن که ایمان نبی
نی آید با وجود آنکه خود را از عطا و فضل میدارند تا ترا شریک میدارند بحضرت و اح
الوجود یکبار پریمان قرآنرا شنودند ایمان آوردند و ایشان را ایم شنودند گویند
ذکر فضل النبوتیه من بشا، در سیر النبوتیه علی السلام آورده که این قصه در سال هجرت
از هجرت بود و این جهان بود که حضرت رسالت صلی الله علیه و سلم در ترمین بخار
بایاران خود نماز با دعا میگذارد که گویی از پریمان آنجا رسیدند و قرآنرا شنودند
و رحمت و وجد در طهای ایشان پیدا شد و دوستی رسول صلی الله علیه و سلم در
و طهای ایشان پیدا آمد بی طاقت شدند و بقوم خود فرستند و این حال را گفتند
و آمدند نزد نبی در پیش رسول صلی الله علیه و سلم ایمان آوردند و در لیلة الجن غیر
عبد الله بن مسعود کسی دیگر با رسول نبود و عبد الله گفت که رسول صلی الله علیه و سلم
خطی بکشید و مرا فرمود تا در میان خطش سه مرتبه در سوال رفت و پریمان را دعوت کرد
با سلام و ایشان بسیار بودند و ایمان آوردند و در صحیح مسلم آورده است که حج
کسرا از صحابه بوی بود و رسول صلی الله علیه و سلم گفت که پریمان سه بخشند بعضی
مغان با پریمان در سواهی بودند و بعضی بصورت شکان و ماران و بعضی بر جنبی
می خوانند می کردند و لیلة الجن را که بود در موضعی که آنرا چون گویند و کلام آن

چون که از ایشانند
بسیار که در آنکه همچون
بیخ بدین ص

نفر که استماع قرآن کرده بودند نام وی عمرو بود عبد الله مسعود گفت که از تویی شنودیم
گفتند که ما در سفر بودیم با یاری دیدیم که کشته شد و در خون غلطیده یکی از آن ماران را
برف کرد و ما را قسم بدهد قوی با پیش ما ندانند و گفتند از شما عرو را که در خاک دفن
کرد گفتیم که عرو کیست گفتند آن مار که شما اوراد دفن کردید در فلان موضع آن از
پیران رسول بود از پریمان و نام او عمرو بود و استماع قرآن کرده بود در میان
دو قبیل از پریمان جنگ شد یکی مسلمان بود و عرو را از ایشان بود و دیگری کافر
بود و عرو را کشته شد و در شب شهادت یافت **وَاللّٰهُ تَعَالٰی جَلَّ جَلْبَدُهُ** است
بزرگاری پروردگار ما التعالی بلند شد ان الجذب بزرگاری پریمان بزرگوار را کرد گفت
مَا اتَّخَذَ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا که خلاصت مسیح که از بنی و فرزندی چون که رفت
زن و فرزندی از نفس نیست و حضرت او از نقصان سترست الضمیر فی اللسان و قوی
فی السبحة تا با کبر عطا علی انما سمعنا لا زمینه را حکمی بعد القول و کذاک البواقی در بی
ثلاثه عشر موضعا و بالقیه عطا علی انما سمعنا میگویند من الموحی الیه الی النب علی السلام
تو علی الحاق فی امتنا به فکل ز قبیل فاستاب بان تعالی جدر بنا و علی الجار و الجور زکات
قبل صدقنا و صدقنا از تعالی حد رینا و هذان الرجحان اولی خیران اولی نعمی و لفظ
للقرب **وَأَن تَعْلَمَ أَنَّ یَقُولُ سَفِیْهُنَا عَلٰی اللّٰهِ طَلُّط** بر این بود می گفتند

ان د
مشا